



کمبود عرضه کوچک به میزان بسیار بیشتری بر افزایش قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد (که طی چند سال گذشته شاهد آن بودیم) یک اضافه عرضه کوچک نیز با شدت بسیار بیشتری موجب سقوط قیمت‌ها می‌گردد.

تصمیم اخیر اوپک در زمینه کاهش تولید نفت به میزان ۷۵ میلیون بشکه در روز نیز بر قیمت‌های بازار مؤثر نبود و موجب افزایش قیمت نگردید و این مسأله نیز توجه و احیاناً تعجب بسیاری را برانگیخت. اثر روانی این کاهش که به منزله افزایش در ظرفیت مازاد تولید اوپک است در مقابل اثر فیزیکی آن که کاهش عرضه نفت به بازار است، قرار گرفت و ظاهراً این اثر روانی قوی‌تر از آن اثر فیزیکی بود. اما شاید انتظار افزایش قیمت‌های جهانی نفت در اثر کاهش تولید اوپک در شرایط بسیار نامساعد بازار، انتظار غلطی بوده باشد. در واقع در چنین شرایطی اصولاً صورت مسأله اوپک، بهبود قیمت‌ها نبوده بلکه جلوگیری از بدتر شدن آن است. یعنی باید دید و بررسی کرد که اگر اوپک چنین تصمیمی را اتخاذ نمی‌نمود، اینک وضعیت

این روزها همه چیز تحت تأثیر بحران بزرگ اقتصادی که جهان را فرا گرفته است، قرار دارد. این بحران کم و بیش همه کشورهای جهان و همه تحولات و برنامه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. اینک همه چیز بستگی به آن دارد که این بحران تا کجا کشیده خواهد شد؟ وسعت دامنه آن چقدر خواهد بود؟ چگونه کنترل خواهد شد؟ و تا کی ادامه خواهد داشت؟

بازار نفت نیز مانند همه بازارها تحت تأثیر این بحران قرار گرفته و قیمت جهانی نفت ظرف مدت کوتاهی به کمتر از نصف رکوردهای گذشته، کاهش یافته است. شدت کاهش قیمت نفت در مقایسه با کاهش در میزان تقاضای این کالا، عده‌ای را دچار تحیر می‌کند! چگونه در حالی که تقاضای جهانی نفت در اثر وقوع بحران اقتصادی، حداکثر در حدود ۱۰ درصد کاهش یافته است، میزان کاهش در قیمت، چندین برابر آن و ده‌ها درصد است؟ توجه به ماهیت نفت خام و بازار آن به عنوان یک کالای بسیار ضروری و با کشش قیمتی تقاضای بسیار کم، در این ارتباط توضیح دهنده است. در مورد کالاهای ضروری، همچنان که یک

میزان تأثیرگذاری تصمیم اوپک، حداقل در جلوگیری از سقوط بیشتر قیمت‌ها، به عزم و ارادهٔ اعضاء به رعایت سهمیه‌های تولید خود بستگی خواهد داشت. سرعت آخرین اجلاس اوپک در دستیابی به این تصمیم در کنار هم سوئی همهٔ اعضاء در مصاحبه‌های قبل از اجلاس و اتفاق نظر ایشان در مورد ضرورت کاهش تولید، منعکس‌کنندهٔ چنین اراده و عزمی است. علاوه بر این تمامی اعضاء اوپک به خوبی این تجربه را دارند که: (همانگونه که گفته شد) یک اضافه عرضه کوچک می‌تواند چندان قیمت‌ها را کاهش دهد که مقدار بیشتر صادرات و فروش نفت، هرگز تأثیر آفت قیمت‌های ناشی از آن، بر درآمد ایشان را جبران ننماید و در صورت

همچنان که یک کمبود عرضه کوچک به میزان بسیار بیشتری بر افزایش قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد (که طی چند سال گذشته شاهد آن بودیم) یک اضافه عرضه کوچک نیز با شدت بسیار بیشتری موجب سقوط قیمت‌ها می‌گردد.

تخلف از سهمیه خود در واقع هم درآمد خود و هم بخشی از ذخائر خود را از دست خواهند داد و این برای کشورهایی که در سال‌های اخیر با درآمدهای بالای نفت خو گرفته‌اند غیرقابل تحمل است. بسیاری از کشورهای تولیدکنندهٔ نفت غیر اوپک نیز ساختارهای اقتصادی‌شان مانند اوپک است و به احتمال زیاد در چنین شرایطی با اوپک همکاری خواهند نمود. همچنین به نظر می‌رسد در آن دسته از کشورهای عضو اوپک که دارای قراردادهای مشارکت در تولید با شرکت‌های بین‌المللی نفتی هستند، شرکت‌های مذکور نه تنها مقاومتی در مورد تعهدات این کشورها به کاهش تولیدشان نشان ندهند بلکه همکاری هم بنمایند. چراکه این شرکت‌ها نیز هم از ناحیهٔ کاهش قیمت سهام و هم از ناحیهٔ کاهش قیمت نفت متضرر گردیده‌اند و قراردادهایشان برای اجرای پروژه‌هایی که در مراحل مقدماتی قرار دارد نیز دستخوش ابهام گردیده است و کاهش بیشتر قیمت را بر نمی‌تابند.

اغلب پیش‌بینی‌ها از تداوم بحران حکایت دارد و به نظر می‌رسد که در صورت تداوم بحران در اقتصاد جهانی، سازمان اوپک ناچار به تشکیل اجلاس‌های فوق‌العاده باشد و در اجلاس‌های آتی خود نیز چاره‌ای جز کاهش بیشتر در سقف تولید خود نداشته باشد، اما این که بازار جهانی نفت این کاهش‌ها را تا چه حد جدی بگیرد، منوط به میزان رعایت اعضاء اوپک در ماه‌های آتی خواهد بود.

مدیر مسئول

قیمت‌ها چگونه بود؟ آیا قیمت‌ها با کاهش بسیار شدیدتری رو برو نمی‌شدند؟

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، این است که: عده‌ای تصور می‌کنند که متناسب با پائین آمدن قیمت‌های جهانی انرژی و نفت باید تولید انواع انرژی‌ها و خصوصاً انرژی‌های پرهزینه و همچنین نفت خام‌های پرهزینه، غیر اقتصادی شده و کاهش یابد و تعادل بازار خود به خود برقرار شود. اما این تصور چندان درست نیست. باید توجه داشت که تقریباً تمام انواع حامل‌های انرژی دارای این ویژگی هستند که هزینه سرمایه‌گذاری بسیار بالا و هزینه‌های عملیاتی نسبتاً پائینی دارند. به عبارت دیگر اگر اجزاء هزینه‌های حامل‌های مختلف انرژی

را تجزیه کنیم، بیشترین جزء هزینه (شاید بیشتر از ۸۰ درصد) مربوط به هزینه‌های ثابت یا هزینه‌های سرمایه‌ای و کم‌ترین جزء آن مربوط به هزینه‌های عملیاتی است. بنابراین وقتی که سرمایه‌گذاری برای تولید هر نوع انرژی انجام گردید و تأسیسات و کارخانه‌های مربوطه بنا شد، هزینه سرمایه‌گذاری دیگر قابل برگشت نیست و لذا تولیدکنندهٔ انرژی بر اساس مقایسهٔ قیمت‌های بازار با هزینه‌های جاری و عملیاتی تولید هر واحد از انرژی تولیدی خود، در مورد ادامهٔ تولید تصمیم‌گیری می‌نماید و نه بر مبنای کل هزینه‌های تولید. به عبارت دیگر هر چند ممکن است تولیدکننده، با پائین آمدن قیمت‌های انرژی (در صورتی که هنوز بازگشت سرمایه نکرده باشد) با ادامهٔ تولید یا استخراج (در مورد نفت و گاز و ذغال سنگ) متضرر شود، اما با توقف تولید بیشتر متضرر خواهد شد. البته کاهش قیمت حامل‌های انرژی مسلماً انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید تولیدی و استخراجی را محدود خواهد نمود و در بسیاری موارد متوقف خواهد کرد، اما همان‌طور که گفته شد این توقف و محدودیت، شامل تولید از سرمایه‌گذاری‌هایی که در هر حال قبلاً به انجام رسیده است نمی‌گردد. در چنین شرایطی با توجه به سیاست‌های امنیت انرژی کشورهای صنعتی مبنی بر حداقل وابستگی به نفت و خصوصاً نفت اوپک، بیشترین فشار از ناحیهٔ کاهش تقاضا برای حامل‌های انرژی، نهایتاً به تقاضا برای نفت خام اوپک منتقل می‌شود و چنان‌چه سازمان اوپک واکنش مناسبی نشان ندهد مسلماً روند سقوط قیمت‌های جهانی نفت تشدید خواهد شد.